

رشد فقرزدا در استان‌های منتخب ایران

محمد شریف کریمی

استادیار دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

sharifkarimi2@yahoo.com

سهراب دل‌انگیزان

دانشیار دانشگاه رازی

sohrabdelangiza@gmail.com

الهام حشمتی دایاری

کارشناس ارشد دانشگاه رازی

el.heshmati@yahoo.com

فقر از مهم‌ترین مشکلاتی است که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه می‌باشند، از این رو مسئله فقر و فقرزدایی همواره مورد توجه ملل بوده است. این پدیده دردناک اجتماعی که مقابله با آن ضروری است در اکثریت کشورهای در حال توسعه خارج از کنترل بوده است. تلاش این مطالعه بر آن است که با استفاده از اطلاعات بودجه خانوار نوعی هماهنگی و هم‌جمعی بین تحلیل‌های کلان رشد اقتصادی و تحلیل‌های خرد رفتار عاملان اقتصادی ایجاد کند. لذا این که رشد اقتصادی چقدر فقر را کاهش می‌دهد، سؤال مهمی است که در این مطالعه بدان پرداخته شده است. علاوه بر این، تأثیر تغییرات میانگین درآمدها و توزیع درآمدی بر فقر مورد بررسی قرار گرفته است و با محاسبه شاخص رشد فقرزدا PPGI برای بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی در مناطق شهری و روستایی استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمانشاه، مازندران و مرکزی طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۴ بخش‌های اقتصادی که از رشد فقرزدا برخوردار بوده‌اند، مشخص گشته‌اند. هم‌چنین با استفاده از نتایج به‌دست آمده ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رشد اقتصادی منفی در اکثریت موارد می‌باشد که باعث افزایش فقر از طریق اثر درآمدی گشته است؛ اما وضعیت توزیع درآمدها غالباً بهبود پیدا کرده و منجر به کاهش فقر شده است. با توجه به برآیند این دو اثر بر فقر، به‌استثنای استان سیستان و بلوچستان که در تمام بخش‌های آن فقر افزایش یافته است، در استان تهران بخش خدمات شهری، در استان اصفهان بخش کشاورزی شهری و در سایر استان‌ها بخش خدمات روستایی بهترین وضعیت فقرزدایی را داشته است.

طبقه‌بندی JEL: I32, D31, D63, O40

واژگان کلیدی: رشد فقرزدا، فقیر، خط فقر، منحنی لورنز.

۱. مقدمه

فقر یکی از مشکلات جوامع بشری است و تلاش برای کاهش آن همواره از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های دولت‌ها بوده است. در راستای رسیدن به این هدف رشد همه‌جانبه نقش حیاتی دارد، اما نابرابری درآمدهای سرعتی که رشد اقتصادی به کاهش فقر تبدیل می‌شود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهم‌ترین چالش برای سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های فقرزدا، ایجاد ارتباط بین حوزه‌های کلان و خرد اقتصادی است. عدم هماهنگی میان این دو، مانع از اثرگذاری سیاست مربوطه می‌گردد.

با توجه به این که رابطه مستقیمی بین رشد اقتصادی و تغییرات فقر قابل تعریف نیست و لزوماً رشد اقتصادی کاهش فقر را به همراه نخواهد داشت، تأثیرپذیری فقر از سیاست‌گذاری‌های مختلف رشد اقتصادی با توجه به تأثیرات متفاوتی که بر روی توزیع درآمد خانوارها دارد یکسان نیست. رشد اقتصادی در کاهش فقر شرط لازم و کافی نیست، بنابراین با توجه به آن که کاهش فقر به رشد اقتصادی و توزیع درآمدها وابسته است، لازم است با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر بخش اقتصادی سیاست‌هایی در جهت کاهش فقر تعریف گردد. چون ویژگی‌های متفاوت بخش‌های اقتصادی مختلف و گستردگی نابرابری اولیه بین آن‌ها باعث تأثیر متفاوت رشد اقتصادی بر کاهش فقر می‌شود.

کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره (MDGs)^۱ بزرگ‌ترین چالش جهانی است. در نیمه دوم قرن بیستم کشورهای بیست‌گانه فقر را کاهش دهند همان‌هایی هستند که از تداوم رشد در بلندمدت سود برده‌اند؛ اما تلاش بر آن است که فقر را در کوتاه مدت نیز کاهش یابد. در ایران نیز برای از بین بردن این معضل در برنامه‌های توسعه طرح

1. Millennium Development Goals

ساماندهی اقتصادی، راه‌کارهایی مورد بررسی بوده است و لایحه فقرزدایی بارها تهیه شده، اما هیچ‌یک از این کارها تاکنون به برنامه مدون و مؤثر عملیاتی تبدیل نشده‌است.

نظر به این که منابع سرمایه در هر کشور با محدودیت‌هایی مواجه است، از این رو دستیابی به اهداف توسعه‌ای همچون افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر نیازمند تمرکز بر بخش‌های اقتصادی خاصی می‌باشد تا با سرمایه‌گذاری در آن بخش‌ها از توانمندی بیشتری جهت تحقق این اهداف برخوردار باشد.

در مطالعه حاضر تلاش دستیابی به این مهم است که هر یک از ده استان منتخب با سرمایه‌گذاری در کدام‌یک از سه بخش صنعت، کشاورزی و یا خدمات قادر خواهند بود در کنار دستیابی به رشد اقتصادی به نسبت بیشتری فقرا را منتفع سازند. بدین منظور ابتدا به مروری بر موضوع و تحقیقات انجام شده پرداخته، سپس روش تحقیق ذکر و مدل معرفی می‌شود، در بخش چهارم نتایج کمی آزمون‌ها و در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

مسئله فقر و فقرزدایی همواره مورد توجه ملل بوده است و این پدیده دردناک که یکی از معضلات جامعه بشری است، تاکنون نه تنها تحت کنترل درنیامده است بلکه به‌طور مداوم با پیشرفت‌های جوامع بشری، در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصاد شدت یافته است (زرورکی و شهیمیری شورمستی، ۱۳۹۱؛ ۲۲۵).

با توجه به ضرورت مقابله با بحران فقر می‌باید از دو جنبه نظری و عملی این موضوع مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جنبه نظری باید فقر و مؤلفه‌های آن به دقت تعریف و شناسایی گردند و از جنبه عملی باید بتوان میزان فقر در کشور یا جامعه تحت بررسی مورداندازه‌گیری قرار گیرد (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ۹).

تصمیم‌گیری برای مبارزه با فقر و تخصیص اعتبار برای کاهش فقر به شاخص انتخابی برای اندازه‌گیری فقر و نحوه محاسبه خط فقر وابسته است. بر این اساس شناخت انواع خط فقر و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذار می‌باشد. پس از

توافق راجع به مفهوم فقر و شاخص فقر می‌باید با استفاده از داده‌های مربوطه اقدام به اندازه‌گیری فقر نمود. در ادامه مفهوم فقر، خط فقر و تعاریف آن‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر ارائه می‌شود.

سال‌هاست اقتصاددانان در تعریف فقر به استانداردهای قابل قبول همگان، دست نیافته‌اند و اختلاف نظر بین پژوهشگران همچنان وجود دارد. بوت و راونتری^۱ دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم سعی کردند تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش شکل گرفته، می‌باشد و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به این ترتیب فقر مطلق به‌عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد، توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت. بنابراین تعریف، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است مشخص گردد، مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاها و خدمات مشکل فقر آن‌ها برطرف خواهد شد. این نوع ایده از فقر مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت (۱۸۸۹) و راونتری (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است. در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که در آن داوری‌ها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. در فقر نسبی که به علت اختلاف شدید درآمدی است، فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه می‌باشد. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. اقتصاددانان توسعه از مفهوم فقر مطلق استفاده می‌کنند تا میزان حداقل مشخصی از درآمدهای لازم برای برآورده کردن

1. Booth and Rowntree

نیازهای مادی اساسی مثل؛ غذا، پوشاک و مسکن را به‌منظور اطمینان از معاش دائمی بیان دارند. با توجه به این‌که حداقل مقادیر معاش از کشوری تا کشور و از منطقه‌ای تا منطقه دیگر فرق می‌کند و نمایانگر نیازهای مختلف روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی هستند، به مشکلات این تعریف پی می‌بریم (تودارو و اسمیت^۱، ۲۰۰۹: ۷۵). لذا تعریف فقر مدنظر در مطالعه حاضر تعریف فقر نسبی ارائه شده توسط بوت و روانتری می‌باشد.

خط فقر مخارجی است که یک فرد در زمان و مکان معین، برای دسترسی به سطحی از حداقل رفاه باید بپردازد. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند. حال برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقیر بودن نیازمند تعیین یک آستانه هستیم که این آستانه خط فقر نامیده می‌شود (خدادادکاشی و همکاران، ۱۳۸۱؛ ۱۷؛ راولیون، ۱۹۹۸: ۳). در اصطلاح ساده‌تر خط فقر میزان درآمدی است که خانوارها را در یک زمان و مکان معین به دو بخش فقیر و غیرفقیر تقسیم می‌کند (هارولد^۲، ۱۹۶۴: ۱۶). معیار ما برای اندازه‌گیری خط فقر در این مطالعه بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهاست؛ در این روش که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، ابتدا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج (البته تعیین این درصد به‌صورت اختیاری و تجربی است) به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود.

اندازه‌گیری تعداد و ترکیب فقیران در زیر خط فقر و تغییر و تحول آن در طول زمان کافی نیست زیرا شدت فقر و مطرح شدن نیازهای جدید در جوامع و برهه‌های زمانی متفاوت است و علت این امر توزیع درآمد، مفهوم خط فقر، درآمد و هزینه متوسط فقیران و ترکیب فقیران است، لذا در اندازه‌گیری فقر شاخص‌هایی لازم است که نسبت به ویژگی‌های مطرح‌شده حساس باشد. شاخص‌های فقر گروه FGT (فوستر، گریر و توربک^۳) شامل گروهی از اندازه‌های فقر است که برحسب اندازه پارامتر α شاخص‌های مختلفی را از فقر به دست می‌دهند، که جهت سنجش آثار

-
1. Todaro and Smith
 2. Harold
 3. Foster, Greer and Thorbecke

توزیعی و درآمدی بر فقر مناسب می‌باشند و بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان باهم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. برحسب نیاز و کاربردهای متفاوت می‌توان از شاخص‌های نسبت فقرا که کاربرد آن بیشتر در سنجش تعداد و نسبت فقر است، شاخص شکاف فقر که در عین سنجش فقر، می‌تواند شکاف گروه فقیر را نسبت به خط فقر موردنظر سنجش کند و بالاخره شاخص شدت فقر که علاوه بر شکاف فقر، شدت شکاف را نیز از طریق وزن دهی به گروه‌های فقیر مدنظر قرار می‌دهد، استفاده نمود. شکل کلی تابع فوستر گریر توربک به صورت زیر می‌باشد:

$$P_{\alpha} = \int_0^z \left(\frac{z-x}{z}\right)^{\alpha} f(x) dx, \quad x \geq 0 \quad (1)$$

که در این تابع $f(x)$ تابع چگالی یا به عبارت ساده‌تر نسبتی از جمعیت با درآمد x است، α پارامتر توزیع، z خط فقر و x نشان‌دهنده درآمد می‌باشد. هرچه قدر که α بزرگتر باشد، شاخص حاصل نسبت به نابرابری درآمدی فقرا حساس‌تر خواهد بود (فوستر و همکاران، ۱۹۶۸: ۶۷۰)

شاخص وات: این شاخص توسط وات در سال ۱۹۶۸ تعریف شده است که تابع لگاریتمی از نسبت خط فقر به درآمد می‌باشد:

$$W = \int_0^H \log \frac{z}{x(p)} dp \quad (2)$$

که در آن z خط فقر و $x(p)$ درآمد کوانتیل p ام است. این شاخص برخلاف تابع فوستر گریر توربک که مقداری بین صفر و یک دارد، لزوماً کوچکتر از یک نیست.

مطالعات مختلفی در خصوص چگونگی کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه انجام شده است که در اغلب آن‌ها رشد اقتصادی به‌عنوان راه‌حل اصلی کاهش فقر مورد تأکید قرار گرفته

1. quantile

۲. میزان درآمدی است که به نسبت P از افراد جامعه درآمدی کمتر یا مساوی با آن دارند.

است (راولین و چن^۱، ۲۰۰۳: ۵). اما نابرابری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی باعث طرح این سؤال می‌گردد که آیا فقرا همواره از رشد اقتصادی منتفع می‌شوند؟ گرچه گروهی از اقتصاددانان معتقدند که فقرا به طور خودکار از رشد اقتصادی منتفع می‌گردند لیکن گروه کثیری بر این باورند که رشد اقتصادی به تنهایی برای از بین بردن فقر کافی نیست و چگونگی توزیع منافع رشد نیز دارای اهمیت است. گرچه فقر و نابرابری دو پدیده کاملاً متفاوت‌اند اما به‌شدت به هم مربوط هستند. در راستای رسیدن به کاهش فقر، نابرابری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه رشد اقتصادی به‌طور غیرمستقیم نیز بر فقر تأثیر می‌گذارد که این اثر از طریق توزیع درآمدها می‌باشد، چنان‌که در سطح معینی از میانگین درآمدها، نابرابری بیشتر به‌نوعی فقر بالاتری را ایجاد می‌کند و در سطح معینی از نرخ رشد اقتصادی، نابرابری بیشتر منجر به نرخ کاهش فقر کمتری خواهد شد (لوپز^۲، ۲۰۰۵: ۲). موفق‌ترین کشورهای آسیای شرقی در زمینه کاهش فقر نشان دادند که رشد سریع همراه با نابرابری اولیه پایین و تغییر توزیعی فقرزدا می‌تواند فقر را به مقدار قابل توجهی کاهش دهد، چون نابرابری درآمدهای سرعتی که رشد اقتصادی به کاهش فقر تبدیل می‌شود را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و چه‌بسا گاه مانع از کاهش فقر و یا حتی باعث افزایش آن می‌گردد. در صورتی که اگر منافع رشد برای فقرا بیش از اغنیا باشد، آنگاه می‌توان انتظار داشت فقر بیش‌تر کاهش یابد. به عبارت دیگر، با کاهش نابرابری رشد اقتصادی منجر به کاهش بیشتری در فقر می‌شود. در واقع رشد اقتصادی، در صورت کاهش نابرابری در مقایسه باحالتی که نابرابری تغییری نداشته باشد، به میزان بیشتری باعث کاهش فقر خواهد شد؛ بنابراین تغییر در نابرابری می‌تواند به تغییر معنادار در فقر تبدیل شود و نابرابری اولیه در دارایی، به زیان فقر است و در افزایش فقر مؤثر واقع می‌شود. از این رو پایین بودن نابرابری اولیه، احتمال بهره‌مندی فقرا از رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد (بیگستن و لوئین^۳، ۲۰۰۰).

-
1. Ravallion and Chen
 2. Lopez
 3. Bigsten and Levin

حال با توجه به اینکه پی بردن به اثرات رشد اقتصادی بر فقر نیازمند تفکیک اثرات رشد اقتصادی بر درآمد و نابرابری درآمدی است، لازم است که تغییر در شاخص فقر به تغییر در دو جزء تغییرات میانگین درآمد و تغییرات نابرابری درآمدی تجزیه شود. تغییر در اجزای مذکور نشان‌دهنده حساسیت اندازه فقر نسبت به تغییرات درآمد متوسط و نابرابری درآمدی است. لذا می‌توان اثر رشد اقتصادی بر فقر را از این دو مجرا بررسی کرد: اثر مستقیم یا اثر درآمدی و اثر غیرمستقیم یا اثر توزیعی که از مسیر تغییر در توزیع درآمد واقع می‌گردد.

۳. پیشینه تحقیق

بزلی و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی سیاستی فقر و رشد در هند» به بررسی موفقیت‌ها و شکست‌های ایالت‌های مختلف هند در دستیابی به رشد و کاهش فقر پرداخته‌اند. در این مطالعه دو شاخص سرشمار فقر شامل؛ «شاخص نابرابری به صورت انحراف استاندارد از لگاریتم درآمد» و «شاخص لگاریتم درآمد سرانه» بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۵۸ برای ۱۶ ایالت هند محاسبه شده و با استفاده از برازش الگوی رگرسیونی به بیان ارتباط بین فقر و رشد می‌پردازد. این مطالعه به این نتیجه دست یافته است که ایالت‌هایی که از شرایط حساب‌پذیری، محیط سرمایه‌گذاری تجاری، دسترسی به منابع مالی، دسترسی به سرمایه انسانی، توسعه حقوق مالکیت فقرا و ورود زنان به فرایند رشد اقتصادی برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند در زمینه‌ی کاهش فقر موفق‌تر عمل کنند.

کاکوانی و سان^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نرخ رشد معادل فقر» با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۵-۱۹۵۵ نرخ رشد معادل فقر را در کشور برزیل مورد محاسبه قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که طی دوره تحت بررسی در این کشور نرخ رشد درآمد سرانه تقریباً ثابت بوده است و بعد از آن نرخ رشد افزایش یافته است در این مطالعه با استفاده از شاخص PEGR چگونگی توزیع منافع حاصل از رشد و چگونگی توزیع زیان حاصل از رکود با استفاده از

1. Besley et al.

2. Kakwani and Son

شاخص‌های فوستر، گریر و توربک بررسی شده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی رشد در دو سال اول دوره تحت بررسی در برزیل به زیان فقرا عمل کرده است، اما پس از آن از سال ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۵ به نفع فقرا بوده است.

زمان^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «منحنی شدت فقر» به ارائه شاخص جدیدی برای اندازه‌گیری رشد فقرزدا می‌پردازد. وی معتقد است در کشورهای بسیار ضعیف رشد فقرزدا با شاخص‌هایی که در ادبیات‌های پیشین این موضوع آمده است به‌خوبی اندازه‌گیری نمی‌شود و در چنین کشورهایی لازم است از شاخص جدیدی که در این مطالعه معرفی شده است استفاده شود. در این شاخص به جای کشش فقر نسبت به رشد اقتصادی از مربع آن استفاده می‌شود و مربع کشش فقر نسبت به نابرابری نیز جایگزین کشش فقر نسبت به نابرابری می‌گردد. مزایای این روش آن است که اثر جهش‌های ناگهانی نرخ رشد را کاهش داده و شدت نابرابری را نیز منعکس می‌کند. وی بر این باور است که این روش محاسبه رشد فقرزدا در کشورهای ضعیف می‌تواند بسته‌های سیاستی مناسب‌تری را نسبت به شاخص‌های پیشین ارائه دهد.

راغفر و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران» به بررسی پدیده فقر طی برنامه اول تا چهارم توسعه می‌پردازند. بدین منظور کشش‌های فقر نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری محاسبه می‌شود و در نهایت چگونگی توزیع منافع ناشی از رشد به کمک شاخص نرخ رشد معادل فقر کاکوانی و سان (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد از هر ده نفر طی دوره سه نفر زیر خط فقر به سر برده است. شاخص‌های مربوط به شدت و شکاف فقر نیز بسیار مشابه شاخص سرشمار فقر حرکت کرده‌اند. به‌طور متوسط طی سی سال تحت بررسی نسبت فقرا حدود ۳۰٪ بوده است. اثر خالص رشد بر فقر منفی بوده اما اثر خالص نابرابری بر فقر دارای نوسانات مثبت و منفی بوده است که توسط تحولات سیاسی و اقتصادی ایران طی دوره مورد بررسی توجیه شده و با محاسبه شاخص نرخ رشد معادل فقر برای برنامه‌های اول تا چهارم اقتصادی اجتماعی ایران به این نتیجه

دست‌یافته‌اند که علی‌رغم وجود برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور سیاست اثرگذاری برای دست‌یابی به رفاه و آسایش مستمر دنبال نشده‌است. به عبارت دیگر طی دوره مطالعه برنامه منسجمی برای کاهش فقر و نابرابری در کشور وجود نداشته است.

ابونوری و قادر عباسی در سال ۱۳۸۶ طی مطالعه‌ای تحت عنوان «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران» با تفکیک اثر رشد اقتصادی بر فقر به دو عامل درآمدی و توزیعی، اثر رشد بر فقر را در ایران اندازه‌گیری کرده‌اند. در این بررسی برآورد اثر خالص رشد اقتصادی بر فقر در ایران به تفکیک دوره ۱۳۶۷-۱۳۶۱ برنامه اول توسعه، ۱۳۷۸-۱۳۷۴ برنامه دوم توسعه و ۱۳۸۱-۱۳۷۹ بخشی از برنامه سوم توسعه انجام شده است. برای این منظور از مدل کاکوانی، خاندکر و سان استفاده شده است که این مدل مکمل کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) است. بر این اساس با استفاده از اثرات رشد و نابرابری خالص، کشش‌های اثرات رشد و نابرابری خالص و کشش فقر به تفکیک شاخص‌های مختلف فقر برآورد و سرانجام چگونگی اثر رشد بر فقر در دوره‌های مورد مطالعه به تفکیک مناطق شهری و روستایی ایران مشخص شده است. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که طی دوره ۱۳۶۷-۱۳۶۱ فقر افزایش یافته است و با تجزیه فقر مشخص گردیده است که کاهش در نابرابری موجب تخفیف فقر ناشی از رکود شده است، یعنی کاهش سهم خانوارهای پردرآمد به صورت نسبی بیشتر از کاهش سهم خانوارهای پردرآمد بوده است، گرچه فقر در طول این دوره افزایش یافته است، اما خانوارهای فقیر در مقایسه با دیگران کمتر آسیب‌دیده‌اند. در دوره‌های دیگر فقر در مناطق شهری کاهش یافته است، با تجزیه فقر در این دوره‌ها مشخص شد که رشد سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد گشته است اما میزان آن به حدی نبوده است که اثر مفید رشد کاملاً خنثی گردد. رشد در مناطق روستایی در دوره دوم و سوم سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد شده است. میزان نابرابری به حدی افزایش یافته است که اثر رشد را کاملاً خنثی کرده است و باعث افزایش فقر در دوره سوم شده است. در دوره چهارم در مناطق روستایی رشد با کاهش در نابرابری توأم شده است. در مجموع نتایج تحقیق حاکی از آن است که طی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی اول، دوم و سوم رشد ناچیز اقتصادی در ایران به استثنای برنامه سوم در سایر

دوره‌ها فقرزدا نبوده است. به عبارت دیگر افزایش سهم خانوارهای پردرآمد به صورت نسبی همواره بیشتر از افزایش سهم خانوارهای کم‌درآمد بوده است. بر اساس نتایج تحقیق رشد اقتصادی از یک طرف باعث کاهش فقر و از طرف دیگر موجب تغییر در نابرابری توزیع درآمد می‌گردد. فقر با رشد اقتصادی رابطه معکوس و با نابرابری رابطه مستقیم دارد. افزایش در نابرابری موجب شده است تا از تأثیر رشد اقتصادی بر فقر کاسته شود. از این رو می‌توان گفت اتخاذ سیاست‌های ترکیبی شامل رشد و تعدیل در نابرابری در کاهش بیشتر فقر و افزایش سهم فقرا از رشد اقتصادی مؤثرتر خواهد بود.

۴. الگوی تحقیق

با توجه به مبانی نظری و تجربی، هر شاخص فقر را می‌توان تابعی از پارامترهای مختلف مثل خط فقر، میانگین درآمد سرانه و شاخص توزیع در نظر گرفت، بدیهی است که تغییر هر یک از این پارامترها منجر به تغییر شاخص موردنظر خواهد شد. در این تخمین اگر θ شاخص فقر موردنظر باشد:

$$\theta = f(z, \mu_i, m) \quad (۳)$$

که z نماد خط فقر، μ_i میانگین درآمد استان موردنظر و پارامتر m مبین پارامتر نابرابری می‌باشد.

تغییرات این شاخص‌ها در حالت کلی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$d\theta = \frac{\partial \theta}{\partial \mu} d\mu + \frac{\partial \theta}{\partial m} dm \quad (۴)$$

نظر به این که هر کدام از شاخص‌های اندازه‌گیری فقر معایب و مزایای خاص خود را دارند، لذا ما برای پوشش دادن معایب آن‌ها و بالا بردن دقت کار فقر را از طریق چهار شاخص به شکل زیر محاسبه خواهیم کرد:

اگر q تعداد افراد فقیر و n جمعیت کل افراد جامعه باشد، آنگاه شاخص نسبت افراد فقیر به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$H = \frac{q}{n} \quad (۵)$$

و برای محاسبه شاخص نسبت شکاف درآمدی در جامعه موردبررسی به شیوه زیر عمل می‌کنیم:

$$PG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right) \quad (۶)$$

همچنین برای محاسبه شاخص مربع شکاف درآمدی در جامعه موردنظر از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$SPG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z-x_i}{z} \right)^2 \quad (7)$$

همین‌طور برای محاسبه شاخص وات در جامعه از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$W = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \log \left(\frac{z}{x_i} \right) \quad (8)$$

اگر شاخص کلی فقر را به صورت زیر نشان دهیم:

$$\theta = \theta(z, \mu, L(P)) \quad (9)$$

که در این رابطه z خط فقر μ میانگین درآمدها و $L(P)$ منحنی لورنز باشد.

آنگاه در صورتی که توزیع درآمد در سال اول با میانگین درآمد μ_1 و منحنی لورنز $L_1(P)$ و در سال آخر با میانگین درآمد μ_2 و منحنی لورنز $L_2(P)$ باشد، P_{12} نشان‌دهنده تغییرات فقر بین دو دوره خواهد بود، که به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$P_{12} = \ln[\theta(z, \mu_2, L_2(P))] - [\theta(z, \mu_1, L_1(P))] \quad (10)$$

حال با توجه به تغییرات فقر بین دو دوره، کشش کل فقر را می‌توان به صورت زیر برآورد کرد:

$$\delta = \frac{\ln[\theta(z, \mu_2, L_2(P))] - [\theta(z, \mu_1, L_1(P))]}{\gamma} \quad (11)$$

در این معادله γ نشان‌دهنده نرخ رشد میانگین درآمد است و به طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$\gamma = \ln(\mu_2) - \ln(\mu_1) \quad (12)$$

با توجه به روش تجزیه فقر کاکوانی (۲۰۰۰) می‌توان کشش کل فقر نسبت به رشد اقتصادی را به کشش درآمدی و کشش توزیعی تقسیم کرد. که مجموع آن دو با کشش کل برابر است:

$$\delta = \rho + \varphi \quad (13)$$

که در این معادله ρ کشش درآمدی و φ کشش توزیعی می‌باشند. که در ادامه به هر یک از آن دو خواهیم پرداخت.

نسبت تغییر در فقر بین دو دوره، زمانی که میانگین درآمد تغییر کند ولی توزیع نسبی درآمد

ثابت باقی بماند، اثر رشد خالص را نشان می‌دهد که از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$G_{12} = \frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_2, L_1(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P))) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P)))] \quad (14)$$

می‌توانیم کشش درآمدی را با استفاده از اثر رشد خالص، مشابه با کشش کل فقر نسبت به رشد، به شکل زیر به دست آوریم:

$$\rho = \frac{\frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_2, L_1(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P))) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P)))]}{\gamma} \quad (15)$$

کشش درآمدی میزان تغییرات اعمال شده بر فقر در اثر یک واحد تغییر در میانگین درآمدهاست زمانی که توزیع نسبی درآمد که توسط منحنی لورنز اندازه‌گیری می‌شود ثابت باشد. طبق مطالعه کاکوانی این کشش همواره منفی است چون با ثابت ماندن توزیع درآمد رشد مثبت همواره فقر را کاهش می‌دهد.

اثر نابرابری خالص، نسبت تغییر در فقر است زمانی که توزیع درآمد تغییر کند ولی میانگین درآمد ثابت باقی بماند، که به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$I_{12} = \frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P))) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)))] \quad (16)$$

حال با به دست آوردن اثر توزیعی خالص، قادر خواهیم بود کشش توزیعی فقر را با استفاده از رابطه زیر محاسبه کنیم:

$$\phi = \frac{\frac{1}{2} [\ln(\theta(z, \mu_1, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P))) + \ln(\theta(z, \mu_2, L_2(P))) - \ln(\theta(z, \mu_1, L_1(P)))]}{\gamma} \quad (17)$$

کشش توزیعی میزان تأثیر رشد اقتصادی بر فقر در اثر یک واحد تغییر در توزیع نسبی درآمد است زمانی که میانگین درآمدها ثابت باشد. علامت این کشش می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

با استفاده از کشش‌های توزیعی و درآمدی می‌توان به محاسبه شاخص رشد فقرزدا PPGI پرداخت که یکی از مهم‌ترین راه‌های تعیین فقرزدا بودن رشد اقتصادی است، زمانی که رشد درآمدها مثبت باشد. این شاخص به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$= \frac{\delta}{\rho} \quad (18)$$

اگر مقدار شاخص رشد فقرزدا بزرگ‌تر از یک باشد می‌توان گفت جامعه تحت بررسی، رشد فقرزدا داشته است، بدین معنا که هر دو اثر توزیعی و درآمدی موجب کاهش فقر شده‌اند. اما اگر مقدار شاخص بین صفر و یک باشد حاکی از آن است که جامعه رشد سرریز را تجربه کرده است. در این حالت رشد موجب کاهش فقر شده اما وضعیت توزیع درآمدها به زیان فقرا عمل کرده است، با این وجود در مجموع فقر کاهش یافته است. اما چنانچه شاخص رشد فقرزدا منفی باشد هر دو اثر توزیعی و درآمدی به زیان فقرا بوده‌اند و فقر افزایش پیدا کرده است.

در صورتی که رشد میانگین درآمدها منفی باشد شاخص PPGI به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$= \frac{\delta}{|\rho|} \quad (19)$$

در این حالت اگر شاخص رشد فقرزدا مثبت باشد فقر کاهش پیدا کرده و اگر منفی باشد فقر بیشتر شده است.

۵. برآورد تحقیق

در محاسبه تابع فقر یکی از متغیرهای مورد نیاز خط فقر می‌باشد. با توجه به آن که خط فقر نسبی برخلاف خط فقر مطلق علاوه بر رشد اقتصادی تحت تأثیر توزیع درآمد نیز قرار می‌گیرد، این نوع از خط فقر برای دستیابی اهداف این مطالعه اطلاعات بهتری را منعکس می‌کند. لذا در جدول ذیل خط فقر نسبی بر اساس ۶۶٪ میانگین درآمد جامعه برای استان‌های مورد بررسی به تفکیک مناطق شهری و روستایی به قیمت پایه سال ۹۰ گزارش شده است.

جدول ۱. خط فقر استانی در مناطق شهری و روستایی به قیمت پایه سال ۹۰ (واحد: ریال)

استان	مناطق	خط فقر
آذربایجان شرقی	شهری	۴۰۱۳۱۶۷۹/۶۶
	روستایی	۲۸۶۵۲۴۴۶/۸
اصفهان	شهری	۵۱۷۱۹۷۸۴/۴۳
	روستایی	۳۶۸۹۳۹۷۷/۰۳
تهران	شهری	۶۲۵۵۳۰۸۳/۵۵
	روستایی	۳۳۰۲۱۱۲۸/۳۸
خراسان رضوی	شهری	۳۸۳۱۰۰۰۳/۹
	روستایی	۲۰۹۳۶۹۴۴/۳۶
خوزستان	شهری	۴۱۸۶۶۸۹۴/۷۱
	روستایی	۲۶۹۰۱۳۹۶/۳۱
سیستان و بلوچستان	شهری	۲۷۵۴۸۵۷۸/۹۸
	روستایی	۱۴۴۶۶۰۴۹/۴۵
فارس	شهری	۵۴۱۲۵۶۷۳/۴۴
	روستایی	۳۶۱۷۸۲۵۷/۷۵
کرمانشاه	شهری	۴۶۳۲۰۳۵۵/۶۷
	روستایی	۲۹۷۱۱۳۶۳/۵۴
مازندران	شهری	۴۴۲۹۲۷۳۲/۲۶
	روستایی	۳۵۹۸۱۴۶۴/۸۳
مرکزی	شهری	۵۲۲۰۴۶۶۷/۴۷
	روستایی	۳۴۵۵۲۶۹۴/۱۸

مأخذ: نتایج تحقیق

چنان که ملاحظه می‌شود در تمامی ده استان تحت بررسی، خط فقر روستایی کم‌تر از خط فقر شهری می‌باشد که این خود با توجه به پایین بودن هزینه‌های زندگی روستایی نسبت به سکونت در شهرها قابل توجیه است. همین‌طور استان تهران با خط فقری معادل ۶۲۵۵۳۰۸۳/۵۵ در مناطق شهری و ۳۳۰۲۱۱۲۸/۳۸ در مناطق روستایی از بالاترین میزان خط فقر در هر دو منطقه در بین استان‌های موردبررسی برخوردار است که کمترین میزان خط فقر نیز هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی متعلق به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که به ترتیب ۲۷۵۴۸۵۷۸/۹۸ و ۱۴۴۶۶۰۴۹/۴۵ می‌باشند.

جدول ۲. اثرهای درآمدی، توزیعی و کل در استان‌های منتخب برحسب میانگین چهار شاخص فقر

استان	بخش اقتصادی	مناطق					
		روستایی		شهری		اثر کل	
		اثر درآمدی	اثر توزیعی	اثر کل	اثر درآمدی	اثر توزیعی	اثر کل
آذربایجان شرقی	خدمات	-۰/۴۲۳۲۷	-۰/۱۵۴۶۵۸	-۰/۹۶۹۸۵	۰/۹۹۹۷۴۶	-۱/۱۵۸۸	-۰/۱۵۹۰۶
	صنعت	۰/۵۰۰۹۰۹	-۰/۱۰۷۱۵	۰/۳۹۳۷۵۸	۰/۶۴۱۷۷۱	-۰/۵۴۹۶۸	۰/۰۹۲۲۹۵
	کشاورزی	۰/۰۱۷۵۲	۰/۱۸۶۱۹۵	۰/۲۰۳۷۱۶	۰/۷۲۸۲۰۲	-۰/۶۳۱۷۶	۰/۰۹۶۴۴۴
اصفهان	خدمات	۰/۹۹۱۰۸۷	-۱/۲۵۱۹۳	-۰/۲۶۰۸۵	۰/۱۰۱۹۵۴	-۰/۸۳۳۳۲	-۰/۷۳۱۳۶
	صنعت	۱/۴۰۸۹۳۸	-۰/۴۳۰۸۸	۰/۹۷۸۰۶	۰/۲۸۷۳۵۳	-۰/۵۵۸۹۶	-۰/۲۷۱۶۱
	کشاورزی	۰/۳۷۲۶۸۸	-۰/۱۰۲۴۷	۰/۲۷۰۲۲	-۰/۰۹۷۲۷	-۰/۷۷۱۳۴	-۰/۸۶۸۶۱
تهران	خدمات	۱/۱۸۲۸۳۷	-۰/۸۴۱۰۶	۰/۳۴۱۷۷۳	۰/۱۱۹۶۶	-۰/۸۶۱	-۰/۷۴۱۵۴
	صنعت	۱/۷۱۴۷۶۳	-۰/۸۱۱۹۸	۰/۹۰۲۷۸۵	۰/۵۷۳۰۷	-۰/۶۶۲۹۳	-۰/۰۸۹۸۶
	کشاورزی	۲/۲۲۲۵۲۱	-۰/۶۰۳۵۳	۱/۶۱۸۹۹	۱/۱۴۴۲۲۵	-۰/۴۱۶۴۵	۰/۷۲۷۷۷۳
خراسان رضوی	خدمات	-۰/۲۳۰۷۴	-۰/۳۹۰۲۱	-۰/۶۲۰۹۵	۰/۸۹۲۱۹۶	-۰/۹۵۶۳	-۰/۰۶۴۱
	صنعت	۰/۴۶۹۷۱۲	-۰/۳۴۱۵۳	۰/۱۲۶۳۷۷	۰/۴۵۸۰۴۹	-۰/۳۳۷۰۵	۰/۱۲۱۰۰۳
	کشاورزی	۰/۰۵۴۲۳۵	-۰/۱۶۸۷۲	-۰/۱۱۴۴۸	۰/۵۹۰۳۹۶	-۰/۲۱۷۵۵	۰/۳۷۲۸۴۹
خوزستان	خدمات	-۰/۱۰۰۰۱	-۰/۴۲۱۵۶	-۰/۵۲۱۵۷	-۰/۵۷۲۳۸	۰/۱۶۰۴۶۸	-۰/۴۱۱۹۱
	صنعت	۰/۲۴۵۱۵	-۰/۰۷۳۶۵	۰/۱۷۱۴۹۹	۰/۴۳۴۷۳۹	-۰/۱۶۰۹۳	۰/۲۷۳۸۰۷
	کشاورزی	۰/۱۸۶۷۱۳	-۰/۵۹۵۲۷	-۰/۴۰۸۵۶	-۰/۲۹۳۲۶	-۰/۰۰۰۷۴	-۰/۲۹۴
فارس	خدمات	۰/۳۱۸۶۱۶	-۰/۴۹۳۹۱	-۰/۱۷۵۳	۰/۵۸۲۹۸۶	-۰/۲۱۴۹۶	۰/۳۶۸۰۲۴
	صنعت	۱/۳۳۲۱۳۲	-۰/۲۷۵۲۱	۱/۰۶۱۹۲۵	۰/۸۰۷۴۴۴	-۰/۳۳۸۱۴	۰/۴۶۹۳۰۷
	کشاورزی	۱/۰۵۹۸۹۶	-۰/۲۴۲۰۸	۰/۸۱۷۸۷	۰/۸۰۷۴۴۴	-۰/۳۳۸۱۴	۰/۴۶۹۳۰۷
کرمانشاه	خدمات	-۰/۲۶۴۱۸	-۰/۵۲۹۲۶	-۰/۷۹۳۴۴	۰/۰۱۸۳۰۶	-۰/۸۹۰۳۸	-۰/۸۷۲۰۷
	صنعت	۰/۳۱۵۴۱۵	-۰/۲۸۷۰۶	۰/۰۲۸۳۵۷	۰/۱۵۰۵۴۵	-۰/۵۲۰۷۶	-۰/۳۷۰۲۱
	کشاورزی	۰/۱۵۱۵۷۹	-۰/۲۳۸۹	-۰/۰۸۷۳۲	۰/۶۴۴۷۳۴	-۱/۲۳۷۵۷	-۰/۵۹۲۸۳
مازندران	خدمات	۱/۱۹۵۸۲۷	-۱/۷۴۸۵۱	-۰/۵۵۲۶۹	۱/۸۸۲۵۶۲	-۲/۶۲۶۸۸	-۰/۷۴۴۳۱
	صنعت	۱/۲۸۶۰۹۵	-۰/۶۶۵۷۶	۰/۶۲۰۳۳۶	۱/۰۸۷۵۶۵	-۰/۸۴۰۳۹	۰/۲۴۷۱۷۶
	کشاورزی	۱/۰۶۱۰۴۵	-۰/۳۲۹۸۲	۰/۷۳۱۲۲۷	۱/۳۹۵۲۱۷	-۱/۵۶۵۲	-۰/۱۶۹۹۸
مرکزی	خدمات	-۰/۱۶۲۱۸۷	-۰/۳۱۰۸	-۰/۹۳۲۶۷	۰/۱۹۶۷۶۶	-۰/۷۰۱۳۴	-۰/۵۰۴۵۷
	صنعت	۰/۶۳۳۵۹۲	-۰/۳۰۰۲۴	۰/۳۳۳۳۵۵	۰/۴۳۰۸۶۵	-۰/۰۰۰۲۷	۰/۴۳۰۵۹
	کشاورزی	۰/۴۰۴۰۹۱	۰/۰۴۱۲۱۹	۰/۴۴۵۳۱	۰/۲۲۰۱۳۸	۰/۰۰۰۴۸	۰/۲۲۰۶۱۹
سیستان و بلوچستان	خدمات	۰/۵۵۷۲۸۴	-۰/۲۶۰۴۹	۰/۲۹۶۷۹	۰/۴۷۳۷۸	-۰/۲۶۸۳	۰/۲۰۵۴۷۸
	صنعت	۰/۴۴۸۹۸۵	-۰/۰۳۲۱۷	۰/۴۱۶۸۱۲	۰/۴۱۷۸۰۵	-۰/۰۴۶۸	۰/۳۷۱۰۰۲
	کشاورزی	۰/۸۰۴۱۹۱	-۰/۲۰۲۰۴	۰/۶۰۲۱۴۶	۰/۹۳۴۵۲۱	-۰/۴۶۲۹۳	۰/۴۷۱۵۹

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۳. کشش‌های درآمدی، توزیعی و کل در استان‌های منتخب برحسب میانگین چهار شاخص فقر

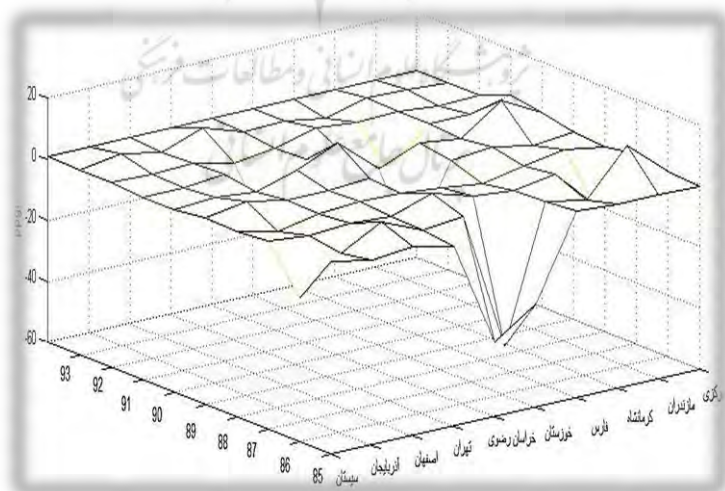
استان	بخش اقتصادی	مناطق			
		روستایی		شهری	
		کشش درآمدی	کشش توزیعی	کشش کل	رشد
آذربایجان	خدمات	-۱/۹۵۴۶۷	-۲/۵۲۴۲	-۴/۴۷۸۹۶	-۰/۲۱۶۵۳۵
	صنعت	-۲/۲۴۹۳۴	۰/۴۸۱۱۶۱	-۱/۷۶۸۱۸	-۰/۲۲۲۶۹
	کشاورزی	-۱/۹۶۰۲۹	-۲۰/۸۳۲۶	-۲۲/۷۹۲۹	-۰/۰۰۸۹۴
اصفهان	خدمات	-۲/۴۳۴۲۵	۳/۰۷۴۹۳۲	۰/۶۴۰۶۷۸	-۰/۴۰۷۱۴
	صنعت	-۲/۵۳۹۷۴	۰/۷۷۶۶۹۷	-۱/۷۶۳۰۴	-۰/۵۵۴۷۶
	کشاورزی	-۱/۸۴۸۹۴	۰/۵۰۸۳۵۷	-۱/۳۴۰۵۹	-۰/۲۰۱۵۷
تهران	خدمات	-۲/۹۲۱۶۲	۲/۰۷۷۴۳۸	۰/۸۴۴۱۸	-۰/۴۰۴۸۶
	صنعت	-۳/۵۹۳۳۱	۱/۷۰۱۵۱	-۱/۸۹۱۸	-۰/۴۷۷۲۱
	کشاورزی	-۲/۸۵۰۲۴	۰/۷۷۳۹۹	-۲/۰۷۶۲۵	-۰/۷۷۹۷۷
خراسان رضوی	خدمات	-۱/۳۷۵۰۴	-۲/۳۲۵۴۲	-۳/۷۰۰۴۵	۰/۱۶۷۸۰۴
	صنعت	-۱/۷۴۶۵۸	۱/۲۷۴۸۵	-۰/۴۷۱۷۳	-۰/۲۶۷۹
	کشاورزی	-۱/۴۵۱۱	۴/۵۱۴۲۳۳	۳/۰۶۳۱۲۲	-۰/۰۳۷۳۸
خوزستان	خدمات	-۲/۸۵۴۴۱	-۱۲/۰۳۲۱	-۱۴/۸۸۶۵	۰/۰۳۵۰۳۶
	صنعت	-۲/۲۶۰۵۷	۰/۶۷۹۱۵۳	-۱/۵۸۱۴۲	-۰/۱۰۸۴۵
	کشاورزی	-۱/۹۹۹۱۱	۶/۳۷۳۵۰۱	۴/۳۷۴۳۸۸	-۰/۰۹۳۴
فارس	خدمات	-۱/۸۸۱۹۵	۲/۹۱۷۳۵۳	۱/۰۳۴۴۰۸	-۰/۱۶۹۳
	صنعت	-۲/۳۲۹۰۶	۰/۴۵۸۷۸۲	-۱/۷۷۰۲۷	-۰/۵۹۹۸۶
	کشاورزی	-۲/۰۹۲۵۳	۰/۴۷۷۹۳۱	-۱/۶۴۴۶	-۰/۵۰۶۵۱
کرمانشاه	خدمات	-۱/۸۶۸۰۴	-۳/۷۴۲۴۱	-۵/۶۱۰۴۵	۰/۱۴۱۴۲۱
	صنعت	-۲/۰۲۶۱۵	۱/۸۴۳۹۹۳	-۰/۱۸۲۱۶	-۰/۱۵۵۶۷
	کشاورزی	-۲/۱۶۰۵	۳/۴۰۵۰۴۵	۱/۲۴۴۵۴۱	۱/۰۷۰۱۶
مازندران	خدمات	-۳/۰۴۳۱۹	۴/۴۴۹۶۸۴	۱/۴۰۶۴۹۶	-۰/۳۹۲۹۵
	صنعت	-۳/۰۷۴۵۴	۱/۵۹۱۵۶۶	-۱/۴۸۲۹۸	-۰/۴۱۸۳
	کشاورزی	-۲/۴۶۷۸	۰/۷۶۷۰۹۸	-۱/۷۰۰۷۱	-۰/۴۲۹۹۵
مرکزی	خدمات	-۱/۲۰۹۸۹	-۰/۶۰۴۶۹	-۱/۸۱۴۵۸	۰/۵۱۳۹۸۹
	صنعت	-۱/۷۳۱۹۲	۰/۸۲۰۶۹۹	-۰/۹۱۱۲۳	-۰/۳۶۵۸۳
	کشاورزی	-۱/۸۹۳۹۸	-۰/۱۹۳۱۹	-۲/۰۸۷۱۷	-۰/۲۱۳۳۶
سیستان و بلوچستان	خدمات	-۱/۳۰۱۰۸	۰/۶۰۸۱۷۱	-۰/۶۹۲۹۱	-۰/۴۲۸۳۲
	صنعت	-۰/۹۸۷۴۹	۰/۰۷۰۷۶۱	-۰/۹۱۶۷۲	-۰/۴۵۴۶۸
	کشاورزی	-۱/۲۳۶۴۴	-۰/۳۱۰۶۴۳	-۰/۹۲۵۸	-۰/۱۶۵۰۴۱

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۴. شاخص رشد فقرزدای PPGI

شاخص رشد فقرزدای PPGI						استان
روستایی			شهری			
کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات	
-۱۱/۶۲	-۰/۷۸	۲/۲۹*	-۰/۱۲	-۰/۱۴	۰/۱۵	آذربایجان شرقی
-۰/۷۲	-۰/۶۹	۰/۲۶	۸/۹۳*	۰/۹۴	۷/۱۴	اصفهان
-۰/۷۲	-۰/۵۲	-۰/۲۷	-۰/۶۳	۰/۱۵	۶/۲۵	تهران
۲/۱۲	-۰/۲۷	۲/۶۹*	-۰/۶۳	-۰/۲۵	۰/۰۷	خراسان رضوی
۲/۱۷	-۰/۶۹	۵/۲۱*	۱*	-۰/۶۳	۰/۷۲	خوزستان
-۰/۷۵	-۰/۹۲	-۰/۵۳	-۰/۵	-۰/۸۸	-۰/۴۳	سیستان و بلوچستان
-۰/۷۷	-۰/۷۹	۰/۵۴	-۰/۳۶	-۰/۵۸	-۰/۶۳	فارس
۰/۵۷	-۰/۰۸	۳*	۰/۹۲	۲/۵	۵۰	کرمانشاه
-۰/۶۸	-۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۱۲	-۰/۲۲	۰/۳۹	مازندران
-۱/۰۹	-۰/۵۲	۱/۵*	-۱/۰۱	-۱	۲/۵۶	مرکزی

مأخذ: نتایج تحقیق



شکل ۱. نمودار PPGI برای استان‌های منتخب طی دوره تحت بررسی

در استان آذربایجان شرقی با توجه به رشد مثبت و PPGI بزرگ تر از یک در بخش خدمات مناطق روستایی بیشتری فقرزدایی را داشته است. در بخش خدمات مناطق شهری نیز با وجود آن که رشد منفی می‌باشد و از این رو رشد فقرزدا نیست، اما با توجه به شاخص رشد فقرزدای مثبت، از نظر فقرزدایی در دومین اولویت این استان قرار می‌گیرد و به نفع فقرا عمل کرده است. با کاهش نابرابری، افزایش فقر حاصل از کاهش درآمدها را برطرف کرده و باعث کاهش فقر در این بخش گشته است. در استان اصفهان در بخش کشاورزی مناطق شهری رشد مثبت است و شاخص رشد فقرزدا بزرگ تر از یک نشان می‌دهد که این بخش رشد فقرزدا داشته و بیشترین میزان کاهش فقر را ایجاد کرده است، لذا اولویت فقرزدایی استان اصفهان می‌باشد. در بخش های صنعت و خدمات شهری و خدمات روستایی رشد منفی بوده است، لذا رشد فقرزدا نیست، اما شاخص رشد فقرزدا نشان می‌دهد که به ترتیب بخش های خدمات شهری، صنعت شهری و خدمات روستایی بیشترین فقرزدایی را پس از کشاورزی شهری ایجاد کرده اند و اولویت های بعدی این استان می‌باشند. در استان تهران هیچ یک از بخش ها رشد مثبت نداشته اند، بنابراین بخشی به عنوان اولویت رشد فقرزدا ندارد اما بخش خدمات شهری با شاخص رشد فقرزدای مثبت بزرگی که دارد نشان می‌دهد که با کاهش نابرابری، فقر را به میزان چشم گیری کاهش داده و اولویت فقرزدایی این استان می‌باشد پس از آن بخش صنعت شهری در اولویت دوم این استان از نظر فقرزدایی قرار دارد، اما شاخص PPGI آن بسیار کوچک تر از بخش خدمات شهری بوده لذا فقر را به میزان بسیار کمتری نسبت به این بخش کاهش داده است. استان خراسان رضوی در بخش خدمات مناطق روستایی با رشد مثبت و شاخص رشد فقرزدای بزرگ تر از یک نشان دهنده بخشی است که رشد فقرزدا داشته است بنابراین اولویت این استان می‌باشد. پس از آن بخش های کشاورزی روستایی و خدمات شهری به ترتیب قرار می‌گیرند که با توجه به رشد منفی این دو بخش، رشد فقرزدا ندارند اما از نظر فقرزدایی در اولویت این استان قرار می‌گیرند؛ اما استان خوزستان در دو بخش کشاورزی شهری و خدمات روستایی رشد فقرزدا داشته است. با توجه به شاخص رشد فقرزدای PPGI اولویت این استان با بخش خدمات روستایی است که فقرزدایی بیشتری را ایجاد کرده است. بخش کشاورزی

شهری در مرتبه دوم این استان قرار می‌گیرد؛ اما در بخش کشاورزی روستایی با وجود آن که رشد فقرزدا وجود نداشته است، شاخص PPGI نشان می‌دهد که توزیع درآمدها باعث کاهش فقر شده است، بنابراین در اولویت سوم این استان قرار دارد. بخش خدمات شهری با شاخص PPGI بین صفر و یک و رشد مثبت نشان‌دهنده رشد سرریز می‌باشد، در این وضعیت فقرا همواره منافع کمتری نسبت به اغنیا به دست می‌آورند، گرچه فقر کاهش یافته اما این نرخ کاهش فقر بسیار به کندی حاصل شده است، چون بخش عمده منافع حاصل از رشد نصیب اغنیا شده و نابرابری افزایش یافته است. این وضعیت در تمام جامعه تحت بررسی تنها در این بخش رخ داده است. در استان سیستان و بلوچستان علاوه بر این که در هیچ‌یک از بخش‌ها رشد مثبت وجود نداشته و شاخص PPGI در تمامی موارد منفی می‌باشد که حاکی از فقرزدا نبودن رشد اقتصادی است، اما می‌توان گفت بخش خدمات شهری با بزرگ‌ترین شاخص PPGI کمترین افزایش در فقر را ایجاد کرده و از این حیث بهترین بخش این استان می‌باشد. شاخص PPGI در استان فارس به جز بخش خدمات شهری در تمام بخش‌ها منفی بوده و رشد فقرزدا در هیچ‌یک از بخش‌ها به چشم نمی‌خورد، حتی در بخش خدمات شهری نیز با توجه به منفی بودن رشد فقر تنها از طریق بهبود وضعیت توزیع درآمدها فقر را کاهش داده است و در اولویت این استان قرار دارد. شاخص PPGI نشان می‌دهد که استان کرمانشاه تنها در بخش خدمات روستایی از رشد فقرزدا برخوردار بوده است، لذا این بخش در مرتبه اول قرار می‌گیرد. پس از آن بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی شهری و در نهایت کشاورزی روستایی قرار دارند که با وجود رشد منفی توانسته اند فقر را کاهش دهند که البته از رشد فقرزدا محروم بوده‌اند. در این استان تنها بخش صنعت روستایی است که شاخص PPGI منفی داشته و فزاینده فقر بوده است. در استان مازندران هیچ‌یک از بخش‌ها رشد فقرزدا ایجاد نکرده اند اما به ترتیب سه بخش خدمات روستایی، خدمات شهری و کشاورزی شهری سه رتبه اول این استان در کاهش فقر را دارا هستند که با توجه به رشد منفی و PPGI مثبت تنها از طریق بهبود وضعیت توزیع درآمدها فقر را کاهش داده‌اند. بخش خدمات روستایی در استان مرکزی رشد فقرزدا داشته است و در اولویت استان قرار می‌گیرد. پس از آن تنها بخش

خدمات شهری است که فقر را کاهش داده است، اما این بخش از رشد فقرزدا برخوردار نبوده و شاخص PPGI حاکی از آن است فقرزدایی چشم‌گیر این بخش ناشی از اثر توزیعی می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه امروزه فقر یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی بشر است، تلاش برای از بین بردن این معضل اجتماعی یکی از برجسته‌ترین اهداف رشد و توسعه اقتصادی است. رشد همه‌جانبه نقشی حیاتی در شتاب بخشیدن به کاهش فقر دارد، اما نابرابری نیز دامنه انتفاع فقرا از رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طی دهه‌های اخیر کشورهایی که به هر دو مقوله رشد اقتصادی و بهبود وضعیت توزیع درآمدها اهمیت داده‌اند توانسته‌اند گام مؤثری در راستای کاهش فقر بردارند. چراکه رشد اقتصادی به تنهایی قادر به کاهش فقر نخواهد بود اگرچه در روند رشد اقتصادی آنچه سبب کاهش فقر می‌شود افزایش درآمد خانوارهاست اما علاوه بر این توزیع درآمد بین خانوارها نیز باید به گونه‌ای باشد که خانوارهای فقیر نیز از رشد منتفع شوند. چنان‌که عنوان شد، رشد اقتصادی از دو کانال رشد میانگین درآمدها و وضعیت توزیع درآمدها بر فقر تأثیر می‌گذارد، لذا در این مطالعه تأثیر هر دو عامل توزیع درآمد و رشد میانگین درآمدها بر فقر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

چنان‌که عنوان شد برآیند دو اثر توزیعی و درآمدی بر فقر راستای تغییرات فقر در نتیجه رشد را تعیین خواهد کرد. از این رو اثرات توزیعی و درآمدی مورد محاسبه قرار گرفتند و با توجه به این که در این مطالعه هدف اصلی برآورد رشد فقرزداست، با استفاده از این اثرات، کشش‌های توزیعی و درآمدی برآورد شدند تا با محاسبه شاخص رشد فقرزدا PPGI فقرزدا بودن یا نبودن رشد معین گردد. در هر یک از استان‌ها، برای تمام بخش‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی اثرات درآمدی و توزیعی مورد محاسبه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که اثر توزیعی در اکثریت موارد، باعث کاهش فقر شده است و نابرابری درآمدی کاهش یافته است. بدین مفهوم که وضعیت توزیع درآمدها به نفع فقرا عمل کرده است. حتی در مواردی که اثر درآمدی موجب افزایش فقر شده است، وضعیت توزیع درآمدها باعث شده تا فقرا از افزایش فقر آسیب کمتری

بینند. طی دوره تحت بررسی این مطالعه، سمت و سوی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به تمامی، معطوف به نوعی الگوی باز توزیع ثروت در جامعه بوده است، به صورتی که سیاست‌هایی مانند مسکن مهر، سهام عدالت و هدفمندی یارانه‌ها به شکل مشخص واجد خصلت‌های باز توزیعی برجسته‌ای دیده شده‌اند.

به‌علاوه نتایج نشان می‌دهد که در استان‌های مذکور مناطق روستایی در کاهش فقر مؤثرتر عمل کرده‌اند که این خود می‌تواند بدان علت باشد که با شتاب گرفتن فرایند صنعتی شدن، ایران با چالش نابرابری فزاینده مناطق شهری و روستایی، انفجار جمعیت در شهرهای بزرگ و روستاهای متروکه که سرمایه‌های فیزیکی و انسانی خود را از دست می‌دهند، مواجه شد. لذا دولت کوشید تا با اعمال سیاست‌های مختلف، توسعه روستایی را تسریع کند و این وضعیت نامطلوب را تغییر دهد.

وضعیت جامعه روستایی ایران نیز نشان می‌دهد که با افزایش سطح سواد، دانش و مهارت‌های علمی و عملی، گرایش به اشتغال در بخش‌های سنتی اقتصاد کمتر شده و میل و رغبت برای اشتغال در بخش‌های مدرن و خدماتی بیشتر است؛ و این خود باعث شده است تا در مناطق روستایی استان‌های تحت بررسی بیشترین فقرزدایی در بخش خدمات باشد.

همچنین نتایج حاکی از آن است که در استان اصفهان بالاترین میزان شاخص رشد فقرزدای PPGI مربوط به بخش کشاورزی در مناطق شهری می‌باشد. این استان یکی از مراکز اقتصادی و از قطب‌های صنعت کشاورزی کشور است که با دارا بودن شرایط اقلیمی متنوع و قابلیت‌های بالقوه منابع طبیعی و منابع انسانی تجهیز شده و به‌عنوان یکی از استان‌های مهم کشور در زمینه تولید محصولات کشاورزی، دامی و پروتئینی مطرح می‌باشد. از این رو بخش کشاورزی استان اصفهان از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار می‌باشد که این خود باعث شده است تا رشد میانگین درآمدها در این بخش مثبت بوده و فقر به مقدار چشم‌گیری در نتیجه اثر درآمدی کاهش یابد به‌علاوه بخش کشاورزی مناطق شهری بیشترین تمرکز فقرا را دارد؛ به‌گونه‌ای که ۴۵٪ جمعیت این بخش فقیر هستند، لذا رشد توانسته است باعث بهبود وضعیت درآمدها در این بخش گردد.

بزرگ‌ترین میزان شاخص PPGI در استان تهران مربوط به بخش خدمات در مناطق شهری می‌باشد. این بخش سهمی ۷۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی تهران را دارد. علاوه بر این بخش خدمات در مناطق شهری استان تهران بیشترین جمعیت این استان را دربرمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که نیمی از جمعیت تهران در بخش خدمات شهری طبقه‌بندی می‌شوند، از این رو این بخش توانسته است با توجه به سهم تولیدی و جمعیتی بالایی که دارد بیشترین میزان کاهش فقر را در این استان ایجاد کند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، طی دوره تحت بررسی رشد در ۸۷٪ موارد منفی بوده است، لذا میانگین درآمدها فقر را افزایش داده است و چنان‌که به‌طور کلی فقر کاهش یافته تنها از طریق تغییر در وضعیت توزیع درآمدها بوده است؛ اما هدف تنها کاهش فقر نیست بلکه رشد فقرزدا مدنظر می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن آسیب‌هایی که رشد منفی طی دوره بررسی بر وضعیت فقرا و رفاه عمومی جامعه داشته است، از این پس به‌طور هم‌زمان به رشد و کاهش فقر توجه گردد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سمتی معطوف شود که رشد افزایش یابد.

عموماً در استان‌های تحت بررسی بخش‌هایی رشد فقرزدا داشته‌اند که تمرکز فقرا در آن‌ها بیشتر بوده است، از این رو پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های رشد فقرزدا به این بخش‌ها اهمیت بیشتری داده شود تا قشر فقیر جامعه از این دست سیاست‌گذاری‌ها بیش از سایرین منتفع گردند که این خود منجر به کاهش فقر می‌شود.

اگرچه در ۷۰٪ استان‌های تحت بررسی بیشترین مقدار شاخص رشد فقرزدا PPGI مربوط به بخش خدمات در مناطق روستایی است، اما مزیت درآمدی در این استان‌ها عموماً بخش کشاورزی مناطق روستایی و بخش صنعت مناطق شهری می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در سال‌های آتی جهت ایجاد رشد مثبت در هر استان، علاوه بر بخش خدمات به این بخش‌ها نیز توجه شود تا با آشکار کردن ظرفیت‌های بالقوه خود باعث کاهش فقر گردند.

استان سیستان و بلوچستان در تمام بخش‌ها با رشد منفی مواجه بوده است، به گونه‌ای که افزایش فقر ناشی از این رشد منفی به قدری بوده که حتی با وجود کاهش فقر در اثر بهتر شدن توزیع درآمدها، بازهم فقر در تمام بخش‌ها افزایش یافته است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در این استان سیاست‌های حمایتی برای بهبود وضعیت فقرا و همچنین سیاست‌های ایجاد رشد اتخاذ گردد.

منابع

- ابونوری، اسمعیل و رضا عباسی قادری (۱۳۸۶)، "برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۰.
- ارضوم چیلو، نسرین (۱۳۸۴)، "ابعاد گوناگون فقر در ایران"، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۷.
- بزلی، تیمتی و لوییز کورد (۱۳۸۹)، *رشد فقرزدا*، ترجمه عباس شاکری و امین مالکی: تهران، نشر نی.
- خدادادکاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل و امید خدادادکاشی (۱۳۸۱)، "اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران"، پژوهشکده مرکز آمار ایران.
- راغفر، حسین؛ باباپور، میترا و محدثه یزدان‌پناه (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه"، فصلنامه علمی-پژوهشی *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، سال چهارم، شماره ۱۶، ۷۹-۵۹.
- زرزوی، شهریار و مجتبی شه میری شورمستی (۱۳۹۱)، "برآورد خط فقر در استان مازندران طی برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران"، فصلنامه پژوهشی *بازرگانی*، شماره ۶۴، پاییز ۹۱، صص ۲۲۳-۲۴۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Foster, J.; Greer, J. and Erik Thorbecke** (1984), "Notes and Comments A Class Of Decomposable Poverty Measures", *Econometrica*, vol, 52, No, 3.
- Kakwani, N. and H. Son** (2008), "Poverty Equivalent Growth Rate", *Review of Income and Wealth*, 54(4).
- Kakwani, N.; Khandker, S. and H. Son** (2004), "Pro-poor Growth: Concepts and Measurements with Country Case Studies", *UNDP International Poverty Center*, Working Paper 1.
- Zamman, Khalid** (2016), "Poverty Intensive Curve: A New form Of Pro-Poor Index", *Forensic Research and Criminology International Journal*.
- Klump, R.** (2007), "Was Growth Pro-Poor in Vietnam? Assessments and policy Recommendations", *Deutsche Gesellschaft fur Technische zusammenarbiel*, Eschborn, Germany.
- Lopez, H.** (2005a), "Growth and Inequality: Are they connected", *Working Paper*, World Bank, Washington, Dc.
- Todaro Michael and Smith Stephen** (2009), *Economic Development*, Addison Wesley.
- Harold W. Watts** (1964), *AN Economic Definition of Poverty*, Institute for Research on Poverty.
- Bigsten, A. and J. Levin** (2000), "Growth, Income Distribution and Poverty A Review", *Department of Economic Goteborg University*, Working Paper in Economics, No 32.
- Kakwani, N and E.Perenia** (2000), "What Is Pro-Poor Growth?", *Asian Development Review* No. 18, pp. 1-16.
- Ravallion, M. and S. Chen** (2003), "Measuring pro-poor growth", *Economic Letters*, Vol.78, No.1, PP.93-99.